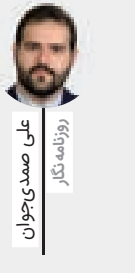


سرباز وطن، فدایی مردم



گفت و گو

سیل آمده بود و با خودش بسیاری از خانه ها را ویران کرده بود و زندگی مردم روی آب شناور بود. پیش از اینکه نیروهای ستاد بحران را پایشان را به منطقه گلستان بگذارند، بچه های ارتش در کنار مردم حاضر شدند. در ما جرابی دیگر، در حالی که سیل زندگان را به مکان امنی منتقل می کردند، سرهنگ ارتشی وقتی متوجه شد پیرزن ها نمی توانند از کامیون بالا بروند، خم شد و خودش را چهارپایه ساخت تا آن ها پایشان را روی پشتش بگذارند و سوار کامیون شوند. این دو صحنه نشان می دهد که ارتش علاوه بر اقتدارش در برابر مزدوران و دشمنان، از جنس مردم است و برای رفع محرومیت زدایی و... هر کاری که در توانش باشد، دریغ نمی کند و پویا کار است. در روز ارتش به سراغ امیر سرتیپ ستاد رضا آذریان، فرمانده قرارگاه شمال شرق نیروی زمینی ارتش رفتیم و ساعتی را با او هم کلام شدیم که در ادامه می خوانید.



● سیل خدمت ارتش در سیل گلستان
ساختمان فرماندهی شان که اکنون در آنجا مستقر هستند، پادگان لشکر ۷۷ خراسان است. مردم شهر و کشورمان به خوبی این مکان را به یاد دارند، لشکری که به فرمان حضرت امام^(ع) حصر آبادان را شکست و با خلق حماسه عملیات بزرگ ثامن الائمه^(ع)، نامش را به «لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه^(ع)» تغییر داد و اکنون نیز که این منطقه به عنوان قرارگاه شمال شرق شناخته می شود، برنامه های مختلفی برای دفاع از مرزها و تمامیت ارضی کشور بر عهده دارد.

خودشان را فدای ملت می دانند. وقتی از کارهای جهادی مردمی شان باخبر باشی، می بینی حرفشان بیرهانیست. امیر آذریان، فرمانده ارشد نظامی در شمال شرق کشور، با اشاره به این شعار می گوید: «سال ۱۳۹۸ با فرماندهی کل قوا دیدار داشتیم. این شعار ابتکار و فرمایش ایشان است که سرچشمه آن به اقدامات ارتش در سیل گلستان

بازمی گردد. ارتش در راستای مسئولیت اجتماعی اش و برای صیانت از مردم کشورمان همیشه آماده خدمت است. ما پس از سیل استان گلستان، با سیل استان خوزستان روبه رو شدیم و ارتش حتی پیش از اقدامات مدیریت بحران کشور وارد عمل شد و همین نکات بود که مورد تأیید و رضایت رهبر معظم انقلاب قرار گرفت.»

● چراغی که خاموش نشد
در ادامه، امیر آذریان به آخرین برنامه های قرارگاه منطقه ای شمال شرق نازجا اشاره می کند و می گوید: «پارسال در استان خراسان یخبندان شد. در این سرمای بی سابقه با توجه به وضع نامساعد جوی و یخبندان جاده های شهری و کمبود تانکر برای سوخت رسانی، به درخواست شرکت نفت در مشهد تانکرهای سوخت رسان فرماندهی آماد و پشتیبانی منطقه شمال شرق نیروی زمینی ارتش در چند مرحله هزاران لیتر سوخت را به نیروگاه توس برای جلوگیری از افت جریان برق شهرستان

مشهد منتقل کردند که در این اقدام در موج سرما باعث جلوگیری از افت کیفیت جریان برق و قطعی در روزهای سرد منهای ۲۰ درجه اخیر مشهد شد. در تربت جام هم با وضعیت اضطراری ای که وجود داشت، تیپ ۳۸ زرهی این شهر به کمک مردم آمد و خدارا شکر وضعیت سامان گرفت. حالا هم اقدامات ما در حوزه مردمباری ادامه دارد و رسالت ارتش فقط در مواقع بحرانی نیست و ما همواره آماده خدمت به مردم عزیز هستیم»

بخش زیادی از امنیت کشورمان روی دوش ارتش است. سرتیپ آذریان با اشاره به این موضوع و اهمیت آن برای ارتش، می گوید: بنا به تدابیر فرماندهی معظم کل قوا و دستورات سلسله مراتب مبنی بر آمادگی مستمر یگان های ارتش جمهوری اسلامی ایران، ما موظف به رصد و پایش همیشگی مرزهای کشور به ویژه مرزهای شرقی هستیم. عامل مهمی که در نیروهای مسلح به ویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد،

عامل بازدارندگی است. زیرا هرچه شما توان رزمی، نیروی انسانی و پشتیبانی مردمی داشته باشید، کار برای سربازان ایران آسان و عرصه ترس و نومیدی برای دشمن تنگ تر می شود و امروز وضع ما، وضعی مطلوب و هوشیارانه است.»

فرمانده قرارگاه شمال شرق نیروی زمینی ارتش در ادامه بیان می کند: «آمادگی و برنامه ریزی یگان های ما برای دفاع از مرزها به نحوی است که برای فراتر از مرزهای تحت کنترلمان برنامه و هدف داریم و امروز اعلام می کنیم که به کوشش سربازان و فرزندان ایران اسلامی، هیچ تهدید جدی ای در نوار شرقی کشور نداریم و با تجهیزات و استعداد نظامی ای که در اختیار ماست، امکان مقابله با هر تهدیدی وجود دارد.»

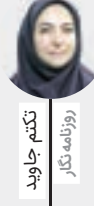
● انگای ارتش به توان رزمی و دانش بومی
امیر سرتیپ آذریان در بخش دیگری از گفت و گویش با نگاه به وضعیتی که ارتش از حیث وابستگی به غرب در پیش

اعتکاف در «بی نهایت عاشقی»

نوجوانان دهه هشتادی در روزهای انتهایی ماه رمضان در مسجد گوهرشاد معتکف شدند

فضای شبستان هاشلوغ است. یک لحظه هم سروصدای پسر بچه ها قطع نمی شود. مسئول پشت تریبون گاهی برنامه ها را اعلام می کند تا بچه ها را جمع کند. کنار هریستون کوله پشتی و وسایلشان را به همان روال بی نظمی های پسرانه رها کرده اند و جای دیگری مشغول اند. هر چند متر دورهمی هایی تشکیل داده اند و بازی می کنند. بعضی ها هم پنج شش نفری دور یک روحانی جوان گمده گرفته اند و می گویند می شنوند؛ صمیمی و راحت. تنها همین نیست. تعدادی گوشه دنج پیدا کرده اند و دعا می خوانند. برخی هم فته اند دل هایشان را به پنجره فولاد گره بزنند و برگردند. حال و هوای خوبی است. آسودگی و لذت خاصی در صورت هایشان است؛ نه شبیه اردوهای عادی مدرسه و چیزی بیشتر از یک ساعت زیارت در حرم امام رضا(ع). گزارش پیش رو روایتی های چند نوجوان است از آخرین ساعت های اعتکاف سه روزه نوجوانان دهه هشتادی که در شبستان های مسجد گوهرشاد برگزار شد. از حال خوب تا تجربه های جدیدشان بر ایمان گفتند.

گزارش روز



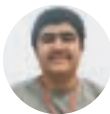
روزنامه نگار



نگارنده: حسن صیانتی/شیراز

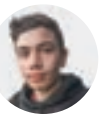
آرزوی خوابیدن در حرم!

سبحان حساری شانزده ساله از منطقه مهرباد مشهد آمده است. او هم داستانی شبیه بقیه دارد؛ خبردار شدن از سوی دوستی و ثبت نام و قرعه کشی و آمدن به اعتکاف به تنهایی. عجیب است که قنوت نمازش در این سه روز روزه داری و نیایش این بوده است که: «هیچ پدری شرمنده خانواده اش نباشد و همه سعادت پیدا کنند و اعتکاف ماه رمضان در حرم باشد». لحظات بودن در حرم را با اشتیاق تعریف می کند: «حس و حالش خیلی خوب است. در عمرم زیاد حرم آمده ام، اما هیچ وقت این مزه را نداشته است. هیچ وقت در حرم نبوده است که صبح بیدار شوم و در حرم باشم، شب بخوابم و در حرم باشم، اراده کنم و گنبد آقا را ببینم. همیشه آرزو داشتم یک شب در حرم بخوابم و سرانجام به آرزویم رسیدم. دست کم از چهار پنج سال گذشته ماه رمضان ها را روزه می گرفته، اما امسال که به سن تکلیف رسیده است. از بودنش در این مکان خوش حالی بی حد و اندازه ای دارد. برنامه هایی که این چند روز در حرم برگزار



لحظه های خوش بندگی

میان جلسات سخنرانی و اعمال واجب، فرصت بازی و شیطنت دارند و او هم مشغول همین کار است. از مدرسه امام خمینی^(ع) بولوار دانش آموز مهمان سه روزه آقا است. محمد پیمانی هفده سال دارد. اما پیش از سن تکلیف هم روزه هایش را می گرفته است: «دوسالی را که روزه به من واجب شده است، کامل گرفته ام. اما پیش از آن هم روزه گرفتن را دوست داشتم. روزه داری اسلام برایم خیلی مفید و بهرمانی هفده سال دارد. شرکت در رویداد مجازی بی نهایت بود که با اشتیاق در آن حضور داشته است و در این باره می گوید: «کلیپ پخش می کنند و بعد از مشاهده باید در مسابقه شرکت کنیم. از همان طریق هم پیام های مختلفی برایم ارسال می شود که یکی از آن ها ثبت نام در همین اعتکاف بود. انگار قسمت بود هر طور شده است خودم را برسانم به این اعتکاف. می توانستم بی تفاوت از کنار پیامکی که برایم ارسال شده بود، عبور کنم یا فکر کنم از بین این همه متقاضی، معلوم نیست قرعه به نام من بیفتد و بی خیال شش شوم. لحظات خوش



سابقه دار اعتکاف



«دفعه اولم نیست. یک بار دیگر هم اعتکاف رفته ام. دفعه قبل در مسجد جواد الائمه^(ع) در شریعتی ۷۵ بود. هر دو اعتکاف بودند، اما حالا که آمده ام حرم، می بینم یک دنیا با هم فرق دارند. اصلا حرم حال و هوای دیگری دارد.» سید مهدیار میرحافظ شانزده ساله و بچه محله شریعتی قاسم آباد این جمله را می گوید. دوستش لینک ثبت نام در اعتکاف حرم را برایش فرستاده، آن هم دوستی که در شهر دیگری است. مهدیار می گوید: «دوستم تشویق کرد شرکت کنم. دوستان دیگر هم ثبت نام کردند، اما اسم هیچ کدامشان در نیامد. خودم تنها آمدم. البته اینجا دوستان زیادی پیدا کرده ام. به لطف تلفن های همراهی که نیاوردیم، فرصت برای دوست یابی و لذت بردن از بازی و مراسم داریم.» وقتی که پای مقایسه بین اعتکاف ها پیش می آید، مهدیار می گوید: «در مسجد هم برای برنامه های تلاش می کنند، اما معلوم است که اصلا شبیه حال و هوای حرم نیست. فکر کنی دصبح تا شب در حرم هستیم، دعا می خوانیم و تفریح می کنیم. بچه ها همه هم سن و سال اند و مراسمی است برای پرکردن اوقات بیکاری. همه چیز عالی می شود.» و البته حالا که شب آخر است، باید برگردد و ببیند که چه توشه ای از این فرصت برداشته است: «من هم چیزهایی یاد گرفتم و می خواهم به آن ها عمل کنم. مثلا قبل از این نماز را خیلی با عجله و بی دقت می خواندم تا بروم سراغ تلفن همراه بازی کردن، اما اینجا یاد گرفتم که مهم ترین اصل نماز آرامش است. هیچ وقت مرتب و منظم نمی آمدم حرم. اما حالا که فهمیدم چه مکانی است، احتما بیشتر می آیم، به خصوص شب ها را دوست دارم که تا صبح همین جا بمانم.»

رشته برق ساختمان می خواند و کارودانش را انتخاب کرده است. چون کلاس های عملی اش و ورود زودتر به بازار کار را دوست داشته است. این روزها هم کلاس های درس و امتحان داشته است، اما امید دارد که خودش را به رقبه برساند. درباره اینکه وقتی به خانه یا مدرسه برگشت، چگونه فضای اعتکاف را توصیف می کند، می گوید: «خیلی عالی بود. واقعا احساس می کردم در حرم زندگی می کنم. هر گوشه خبری است، یکی روضه می خواند، یکی قرآن می خواند، دیگری سینه می زد. آدم از دیدن نشان خسته نمی شد. همه برنامه ها که تمام می شد، می رفتیم سراغ بازی.» بیشترین دعا بی که در لحظات معنوی نیایش زمزمه کرده، ظهور امام زمان^(ع)، سلامتی والدینش و آن هایی بوده است که برای مریضشان التماس دعا داده بودند.

